این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.

سبوی دوست

خدا می‌خواهد مردم کریمانه زندگی کنند

آیت‌الله جوادی آملی: در تابلوی بهشت نوشته است که صدقه یکی دَه‌تا، قرض‌الحسنه یکی هجده‌تا؛ با بانک ربوی هرگز راه بهشت طی نمی‌شود، با قرض‌الحسنه راه بهشت هم برای خود آدم باز است هم برای جامعه. قرض دادن یکی هجده برابر است اما صدقه یکی ده برابر؛ چون دین نمی‌خواهد انسان در کنار سفره دیگری بنشیند؛ می‌خواهد هر کس در کنار سفره خودش بنشیند. خدا نمی‌خواهد شکم مردم سیر شود، می‌خواهد کریمانه مردم زندگی کنند، زندگی کریمانه در این است که هر کس در کنار سفره خودش بنشیند.

منبع: کانال تلگرامی در محضر آیت‌الله جوادی آملی

سنگ پای قزوین را باید طلا گرفت!

فرید ابراهیمی توئیت کرد: رسانه‌های اصلاح‌طلب یه جوری دارن درباره گرونی سرسام‌آور سکه و دلار و مسکن و اجاره پشت بام‌ها مرثیه‌سرایی میکنن، انگار من بودم می‌گفتم: اون‌چنون رونق اقتصادی ایجاد کنم، اون‌چنون مردم درآمد سرشار داشته باشن و اون‌چنون... یعنی سرتاپای سنگ پای قزوین رو در برابر اینا باید طلا گرفت!

مجلس نحوه تأمین کسری بودجه را بررسی کند

حجت‌الله عبدالملکی در توئیتر نوشت: یک فرضیه این است که رشد شتابان و همزمان قیمت‌ها در همه بازارها در بهار امسال ناشی از خلق پول سنگین بانک مرکزی برای پوشش کسری بودجه حجیم دولت بوده است! اگر این باشد و ادامه پیدا کند بسیار خطرناک است! مجلس سریعاً ورود کند: ۱- حجم واقعی کسری بودجه و ۲- نحوه فعلی تأمین آن را بررسی کند.

چه کسی ضرر تأخیر در پیمان راهبردی با چین را می‌دهد؟

امین نیکدل در توئیتر نوشت: یکی از دولت بپرسد چرا پیمان راهبردی با چین چهار سال روی میز هیئت دولت خاک خورد و دقیقاً این ایام که اروپا هم در کاسه دولت گذاشت این طرح را تصویب کردند؟! اگر طرح بد بود چرا تصویب کردید؟ اگر خوب بود چرا چهار سال اجازه تصویب به آن ندادید؟! چه کسی ضرر عدم اجرای چهار ساله را می‌دهد غیر از مردم؟

سوءاستفاده تیم تاجگردون از نام نهادهای انقلابی

مالک شریعتی، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی، توئیت کرد: تیم رسانه‌ای تاجگردون، تقدیرنامه فرماندهان نظامی از رئیس وقت کمیسیون بودجه (تاجگردون) برای کمک به تصویب بودجه مدنظرشان را منتشر کرده‌اند. تقدیر از انجام وظیفه که مرسوم است، اما دقیقاً مشکل همین‌جاست که امثال او با نمایش تعظیم مقابل نهادها و افراد انقلابی، بتوانند نام مقدس آنها را سپر شبکه فساد خود کنند.

مدارس باید به کدام یک پاداش بدهند مهارت یا استعداد؟

ست گادین، کارآفرین و سخنران اهل امریکاست. در شبکه اجتماعی ویرگول صفحه‌ای به نام اوست که هر بار نوشته‌های کوتاهش را به فارسی برمی‌گرداند. در تازه‌ترین یادداشت او با عنوان «مدارس باید به کدام یک پاداش بدهند؛ مهارت یا استعداد؟» می‌خوانیم: استعداد چیزی است که با آن به دنیا آمده‌اید. مهارت چیزی است که کسب می‌کنید. مهارت با تعهد، تمرین و نظم شخصی ممکن می‌شود. مهارتِ کسب مهارت، یک مزیت مادام‌العمری است. بدون شک تشویق کودکان به ارزش قائل شدن برای استعدادهایشان یک مهارت است. اما هنوز... چه کسی عضو تیم والیبال می‌شود؛ آن کودکی که قد بلندتری دارد و یا آن که به سختی تمرین کرده و بیشترین همکاری را در تیم دارد؟ چه کسی در امتحان ریاضی نمره ۲۰ می‌گیرد؛ کسی که در امتحان دادن مهارت دارد و یا آن که سؤالات هوشمندانه پرسیده و فرضیات را به چالش می‌کشد؟ چه کسی وارد مدارس با اسم و رسم می‌شود؟ حتماً تا الان متوجه شده‌اید. رهبران در مورد توسعه مهارت‌های واقعی و تشویق مردم به توسعه حداکثری آنها صحبت می‌کنند اما، اغلب ما راه کوتاه‌تر را انتخاب کرده و روی آن که استعداد دارد سرمایه‌گذاری می‌کنیم. و البته که ممکن است این سرمایه‌گذاری جواب ندهد. ممکن است فقط گمراهی ما در مقایسه تأثیر اولیه با قدرت تعهد، مشارکت و پایداری بوده باشد.

پاسخ کاربران شبکه‌های اجتماعی به توئیت مصطفی تاجزاده درباره مذاکره با امریکا

تاریخ همه این ذلیلی‌ها را ثبت خواهد کرد

مصطفی تاجزاده، فعال سیاسی اصلاح‌طلب که در فتنه ۸۸ نیز سابقه امنیتی دارد، در توئیتر خود نوشت: «با این همه فشار اقتصادی بر گرده مردم دلار چند هزار تومان بشود، نرمش قهرمانانه موجه و مذاکره از موضع برابر با امریکا مجاز می‌شود؟» این توئیت با واکنش‌های بسیاری در شبکه‌های اجتماعی همراه شد. بسیاری از کاربران صحبت کردن از مذاکره با امریکا در شرایط موجود و پس از تجربه کردن برجام را حماقت خواندند. کاربران این پیشنهاد را پس از آغشته شدن دست امریکا به خون حاج‌قاسم، خیانت به راه جگرگوشه ملت دانستند و خطاب به تاجزاده نوشتند: «از خون حاج‌قاسم حیا کن». برخی از کاربران نیز همزمانی گرانی‌ها با دم زدن مجدد از مذاکره را نوعی هماهنگی و به گروگان گرفتن معیشت مردم برای راضی کردن افکار عمومی و نظام برای تن دادن به مذاکره خواندند. در ادامه بخشی از این توئیت‌ها را بخوانید.

■ **محسن عیار:**
جناب تاجزاده گفتند چقدر فشار زیاد بشود مذاکره می‌کنیم؟ کسی به ایشان یادآور شود وضع افتضاح امروز دقیقاً حاصل مذاکرات دولت متبوعشان است. مگر هسته‌ای را ندادید و تهش شد این؟ دیگر مذاکره سر چه؟ تا کجا می‌خواهید مردم را حمار فرض کرده و مجدد فریب دهید؟ خیر نخواستیم شر مرسانید!

■ **علی سیستانی:**
هیچ‌کس مثل مصطفی تاجزاده نمی‌تونست علت و برنامه پشت گرانی‌های اخیر رو لو بده! اینم برنامه‌اش: مجبورمون کنن به مذاکره با قاتل سردار سلیمانی توی این شرایط نامتوازن! تاریخ این خیانت‌ها رو ثبت خواهد کرد. «آزموده را آزمودن خطاست»؛ «آدم عاقل از یک سوراخ دوبار نیش نمی‌خوره» و... قدیمی‌ها این‌ها رو میگفتن تا کسی یه اشتباه رو دوبار تکرار نکنه ولی انگار مسئولان فعلی ما رو ندیدن ۱۰۰ بارم تو مذاکره ببازن بازم میرن مذاکره!

■ **علی یگانه:**
هنوز جای مذاکره اول درد میکنه! به وعده نسیه اونا، نقداً اتمی رو دادیم رفت! نه دلار ارزون شد نه چرخ معیشت چرخید! باز غربزده‌ها حرف از مذاکره با قاتلین سردارمونو می‌زنن! حالا فهمیدید چرا این روزها دلار گرون شده، یا تاجزاده بیشتر توضیح بده براتون؟!

■ **امیرحسین ثابتی:**
پرسش من به عنوان یک شهروند از تاجزاده و برجام‌زده‌ها این است؛ در این هفت سال کدام مشکل را با مذاکره با امریکا حل کردید که باز دنبال ادامه این مسیر غلط هستید؟ هفت سال منت‌کشی از اروپا و امریکا جز تعطیلی توان هسته‌ای کشور و رساندن دلار ۳ هزار تومانی به ۲۰ هزار تومان چه دردی را دوا کرد؟

■ **علی بیطرفان:**
می‌خواهند با سیاست فشار از پایین و چانه‌زنی از بالا به رهبرمان فشار بیاورند تا اجازه مذاکره دهد. پیامی از قشر پایین جامعه به رهبر عزیز: والله اگر مجبور شویم از گرسنگی برگ درختان را بخوریم تن به ذلت مذاکره با قاتلان سردارمان نخواهیم داد! جام زهر اگر آوردند بگو مردم من اهل کوفه نیستند.

■ **علی قلهکی:**
از احمدی‌نژاد تا تاجزاده برای حل مشکلات ایران به مذاکره با امریکا رسیدند! بعید است احمدی‌نژاد مذاکره سال ۸۲ سعدآباد و تاجزاده هفت سال مذاکره «تقریباً هیچ» در دولت روحانی را فراموش کرده باشند. نکته این است که اتاق فکر بیرونی همه شبکه (از احمدی‌نژاد تا تاجزاده) را برای سازش بسیج کرده!

■ **علیرضا گرائی:**
گروگان گرفتن معیشت مردم برای راضی کردن مردم و مسئولان به مذاکره با قاتل حاج‌قاسم اوج بی‌شرفی و جنایت در حق مردم است. آقای مجلس والله همین یک فقره برای بررسی عدم کفایت دولت کافی است!

■ **محمدرضا قدردانی:**
دور باطل اما مورد علاقه تاجزاده و همفکرانش:
گره زدن مشکلات اقتصادی به مذاکره --» انجام مذاکره --» تصویب برجام --» اجرای تعهدات از طرف ایران --» خیانت طرف مقابل --» دستاورد تقریباً هیچ از برجام --» ادامه مشکلات --» بی‌عرضگی مدیران و ناتوانی از حل مشکلات --» و دوباره روز از نو: گره زدن مشکلات اقتصادی به ...

تحلیل

میراث مکتوب هزار ساله خود را باید دیجیتال و عمومی کنیم

حجت‌الاسلام دکتر رسول جعفریان، تاریخ‌پژوه برجسته معاصر و استاد دانشگاه، در کانال تلگرامی خود در باب ضرورت ارائه نسخ دیجیتال میراث مکتوب ایران، نوشت: این خبر که سوئد فرهنگ مکتوب ۶۰۰ ساله خود را دیجیتالی کرده و در اختیار عموم قرار داده است، می‌تواند درسی برای مسئولان فرهنگی ما و مدیران کتابخانه‌ها و در رأس آنها وزارتخانه‌های مربوطه در بخش آموزش و ارشاد باشد. ما چه تلاش منظمی برای ارائه میراث مکتوب خویش به صورت دیجیتالی کرده‌ایم؟ می‌توانم بگویم، بخش بسیار محدودی از میراث ما، توسط مراکزی مثل «نور» در قالب سی‌دی یا وب‌سایت در اختیار عموم قرار داده شده و البته بابت آنها وجوهی هم دریافت می‌شود. فکر می‌کنم برای «میراث» و تبدیل آن به فایل قابل استفاده، نباید هزینه‌ای پرداخت شود. استفاده از این متون برای شناخت میراث ملی، تشویق می‌خواهد و اولین قدم، قرار دادن آنها به صورت مجانی است. طبعاً هزینه‌ای است که باید دولت یا مراکز مشابه آن بدهند. این کارها کمک دولت را می‌خواهد. تعداد قابل توجهی کتاب از میراث کهن ما، به شکل‌های مختلف در مراکز مختلف اسکن شده و خود مردم، آنها را در کانال‌های تلگرامی گذاشته‌اند تا بقیه هم استفاده کنند، اما نه کاری فراگیر است، و نه در یک جا در یک سامانه مشخص است که در زمان نیاز، بتوان به آسانی به آن دست یافت.

در بخش متون منظوم، وب‌سایت گنجور خدمت بزرگی کرده است، کاری که می‌بایست مراکز دولتی یا خصوصی متکی به منابع مالی قابل توجه انجام می‌دادند. همین را هم باید قدر دانست و تشکر کرد. قدم بزرگی برداشته شده است. فرهنگستان زبان و ادب فارسی یا برخی از دایره‌المعارف‌ها یا کتابخانه ملی یا ارشاد باید این کار را می‌کردند. حالا هم وظیفه‌شان حمایت است.

در بخش تاریخ و شرح حال و متون ادبی کهن از قبیل دواوین و غیره، همچنان نیازمند یک کار بزرگ و سترگ و ملی هستیم. تواریخ عمومی، محلی، کتاب‌های شرح حال، و تمامی متون کهن ادبی که میراث اصلی ما هستند، باید بدون فوت وقت، در یک وب‌سایت ملی و بزرگ، با بهترین کیفیت، برای عموم قابل ارائه باشند. برخی از تصحیح‌ها مشکل حقوقی دارند که باید حل کرد. برای مثال، آیا ما وب‌سایتی داریم که هر آنچه درباره تخت جمشید در همه زبان‌ها نوشته شده، در آن قابل دسترس باشد؟ آیا وب‌سایتی داریم که همه تواریخ محلی اصفهان، و هر آنچه در قرون گذشته درباره این شهر نوشته شده در آن قابل دسترس باشد. آیا این کار به اندازه زدن یک پل یا کشیدن یک خیابان در این شهر ارزش ندارد در حالی که هزینه آن هزار بار کمتر از زدن یک خیابان است.

در بخش نشریات تاریخ گذشته هم کار جدی صورت نگرفته است. می‌شود گفت بسیاری اسکن شده اما نرم‌افزارهای موجود همچنان در ارائه یکپارچه آنها عاجز و مراکز هزینه لازم را برای ارائه آنها به صورت یک جا ندارند. باز هم می‌شود گفت مراکز مختلف، حجم قابل توجهی را اسکن کرده‌اند، اما در هاردها و سرورها بدون آن که به صورت منظم و همراه با فهرست‌نویسی ارائه شود، مانده است. البته بخشی در خود کتابخانه‌ها اسکن شده و به صورت موردی قابل ارائه است.

همچنان از داشتن یک وب‌سایت که بتواند همه فهارس نسخ خطی را تا به امروز معرفی کند و محل نسخه را نشان دهد، محروم هستیم. سال‌ها پیش وب‌سایت «آقابزرگ» در یک اقدام قابل ستایش آغاز شد، عالی بود اما در یک محدوده متوقف ماند. سال‌ها گذشته اما هیچ کاری برای تکمیل آن نشده است. کار بزرگ دیگر در تجمیع فهارس نسخ خطی توسط بخش خصوصی انجام شده، و اما متأسفانه فقط متن چاپی آن- دنا و فنخا- انتشار یافت که یک‌هزارم کار سامانه و رایانه را نمی‌کند.

و اما در ارائه اصل نسخ خطی، یعنی تصاویر خود نسخه‌ها، که میراث مهم ماست، هزار و یک مشکل دارد. بدانیم روزی که مرعشی و آستانه قدس، که جمعاً نزدیک به ۴۰ درصد از میراث ما در آنهاست، تمام نسخ خود را به صورت فایل دیجیتالی در اختیار عموم مردم قرار دهند، روزی است که می‌شود گفت، اندکی درک و شعور ما نسبت به میراثمان بهتر شده است. هنوز به این «اندکی» نرسیده‌ایم. مراکز و کتابخانه‌های دیگر هم باید این کار را بکنند. هیچ‌کس تاکنون از پس این دو مرکز برنیامده و نخواهد آمد. کتابخانه ملی نسخه‌ها را ناقص و ضعیف گذاشته است. برای مثال مرکز «احیاء تراث» همه را اسکن کرده و راحت هم در اختیار می‌گذارد- با تقدیر از آنها- ولی یک جا روی وب‌سایتی نگذاشته و کتابخانه دیجیتال ندارد.

به نظر فقیر، می‌بایست واگذاری تصاویر میراث خطی هم بدون گرفتن پول باشد اما حتی با پول، باز بهتر از انجام ندادن است. روزهای آینده، خبرهای خوبی از کتابخانه مرکزی در این زمینه خواهیم داشت. بخش مهمی از میراث مکتوب ما اسناد تاریخی است. معاونت اسنادی کتابخانه ملی، مقدار زیادی از اسناد را فهرست کرده و تصویر شماری را هم در وب‌سایت خود دارد. مسلماً فهرست‌نویسی قدم اول و ارائه تصاویر آنها قدم بعدی و مهم و اساسی است. این کارها، بسیار سخت است، اما نشد ندارد. آیا می‌شود روزی اعلام کرد ایران هم میراث مکتوب هزار ساله خود را به صورت دیجیتالی در اختیار عموم قرار داده است؟

پاورقی «جوان» از «اتاق حوادث» جان بولتون

محمدصادق عبدالهی

دویدن شاعرانه روحانی به دنبال آبه!

در بخشی از کتاب جدید جان بولتون، مشاور امنیتی سابق کاخ سفید، روایتی از دیدار شینزو آبه با رهبر انقلاب آمده است. این روایت حکایت از آن دارد که پس از پاسخ محکم و اقتدارآمیز رهبر انقلاب به آبه، روحانی شاعرانه به دنبال آبه در راهروها دویده است و به او پیشنهاد داده پس از برداشتن تحریم‌ها مذاکره امکان‌پذیر است! حالا باید منتظر پاسخ حسن روحانی باشیم تا شرح دهد این روایت چقدر صحیح است و او با چه منطقی تن به این دویدن ذلیلانه به دنبال واسطه ترامپ داده است! خلاصه‌ای از روایت بولتون را بخوانید.

وقتی آبه حرف می‌زد، [آیت‌الله] خامنه‌ای یادداشت برمی‌داشت اما در پایان گفت که پاسخی ندارد که به نظرم توهین‌آمیز بود. گذشته از آن، [آیت‌الله] خامنه‌ای در این دیدار بسیار سرسخت‌تر از روحانی در دیدار روز گذشته با نخست‌وزیر ژاپن بود و این حماقت مکرون و دیگران (از جمله ترامپ) را نشان می‌داد که معتقد به گفت‌وگو با روحانی به جای «رهبر عالی» ایران بودند... نتیجه آشکار بود؛ مأموریت آبه شکست خورده و ایران با حمله کردن به کشتی‌های غیرجنگی در آب‌های خود یک سیلی محکم به صورت او زده بود. همزمان با دیدار آبه با [آیت‌الله] خامنه‌ای یک کشتی غیرنظامی ژاپنی هم توقیف شده بود. هر چند مقام‌های ژاپنی در مقام انکار برآمده بودند و شاید می‌کوشیدند آبه را از تحقیری که ترامپ مجبورش کرده بود، رهایی بخشند. من و پمپئو رشته توییت [آیت‌الله] خامنه‌ای را [که حاوی پاسخ‌های او به آبه بود] به ترامپ نشان دادیم.

«تند و زننده، بسیار تند و زننده». ترامپ این دو عبارت را گفت و شروع کرد به حرف زدن از اینکه چطور جان کری او را از مذاکره کردن با ایران پرهیز می‌داد.

صبح جمعه آبه یک گزارش شخصی از سفر خود به ترامپ داد و گفت تا وقتی تحریم‌های اقتصادی پابرجا باشد، هیچ تمایلی از سوی روحانی و [آیت‌الله] خامنه‌ای برای گفت‌وگو با امریکا وجود ندارد. از این ناراحت بود که ایرانی‌ها خیلی زود محتوای دیدار را عمومی کرده بودند و در عین حال فکر می‌کرد روحانی واقعاً در پی گفت‌وگو با امریکاست. نشانه شاعرانه آن را هم دویدن روحانی دنبال خود در راهرو پس از دیدار با [آیت‌الله] خامنه‌ای می‌دانست که بگوید برداشته شدن تحریم‌ها می‌تواند زمینه‌ساز این گفت‌وگوها باشد.

بدتر از همه اینکه آبه همچنان روی این ایده خود پافشاری می‌کرد که کره‌شمالی و ایران دو مورد کاملاً متفاوت هستند و می‌گفت رویکرد ما به ایران باید به گونه‌ای دیگر باشد. ترامپ هم معتقد بود آبه نباید از اینکه مأموریتش کاملاً و مطلقاً شکست خورده احساس گناه کند و خیلی زود از حرف خود برگشت و به آبه گفت فقط می‌خواسته کمی شوخی کرده باشد. او انتظار نداشت آبه پیروز شود و اصلاً از نتیجه دیدار شگفت‌زده نشد. ترامپ سرانجام حرف خود را زد و گفت واقعاً تلاش‌های آبه را تحسین می‌کند اما موضوع بسیار مهم‌تر برای شخص او این است که ژاپن بیشتر محصولات کشاورزی امریکا را بخرد، چراکه امریکا بارها از ژاپن و منافع آن دفاع کرده است!

انقلاب صنعتی چهارم رابطه جامعه و دولت را دگرگون می‌کند

عیسی منصوری در کانال تلگرامی «کیمیای توسعه» در خصوص انقلاب صنعتی چهارم یعنی انقلاب حاصل از «هوش مصنوعی، اینترنت اشیا و بلاکچین» و تبعات آن نوشت: از مطالعه نحوه ظهور هژمون‌های جهانی در سده‌های اخیر دو نکته به دست می‌آید؛ نخست، هژمون‌ها پس از بحران‌هایی مانند جنگ‌های بزرگ ظهور یافتند. هژمون انگلیسی پس از جنگ‌های ناپلئونی وارد شد و امریکا بعد از جنگ جهانی اول و به‌ویژه جنگ جهانی دوم به عنوان یک قدرت اوج گرفت. دوم، رشد و تسلط هژمون‌ها با تحول جدّی در حوزه علوم و فنون و پیشرانی آنها در این زمینه همراه بوده است. انگلیس، سوار بر دستاوردهای انقلاب صنعتی اول و مکانیزه شدن حاصل از نیروی محرکه موتورهای بخار و امریکا با داشتن دست بالا در دانش و تکنولوژی تولید انبوه مبتنی بر انرژی الکتریکی و علوم سیستم‌ها محورِ اقتصاد دنیا شدند.

براساس نگاه هایدگر، تکنولوژی پدیده‌ای است که در طول تاریخ شکل می‌گیرد اما در برخی زمان‌ها به نقطه‌ای می‌رسد که تاریخ را شکل می‌دهد. بدین ترتیب، این تکنولوژی است که تعیین کننده نحوه زندگی بشر، روابط اقتصادی-اجتماعی و حتی سیاسی و نظامی در درون کشورها و سطح بین‌المللی است.

اما مهم‌تر آن است که پس از دوره گذار و ظهور هژمون برتر جدید، چیدمان کشورها در سطح بین‌المللی به‌طور از پیش تعیین نشده‌ای متناسب با قرابت اقتصادی و تکنولوژیک با هژمون جدید بازتنظیم می‌شده است. کره جنوبی پس از جنگ جهانی دوم و به دلیل قرابت با امریکا، تبدیل به قدرت تکنولوژیک شده است. برخی کشورها مانند آلمان و ژاپن نیز در رقابت نه‌چندان برابر با هژمون اصلی مانند امریکا رشد یافتند.

اینک (و به تعبیری از سال ۲۰۱۴) جهان در حال تجربه یک تحول بنیادی جدید در حوزه علوم و فنون است که از آن به انقلاب صنعتی چهارم، مبتنی بر تکنولوژی دیجیتال، یاد می‌شود (انقلاب اول حاصل موتوربخار، دوم حاصل اتوماسیون مکانیکی، سوم حاصل دانش الکترونیک و چهارم حاصل هوش مصنوعی، اینترنت اشیا و بلاکچین بوده است). به نظر می‌رسد مکانیسم اثرگذاری این تحول بر روابط درون و برون کشوری، متفاوت از تحولات بنیادی گذشته است. به این ترتیب که تکنولوژی ماهیتاً از حالت بسته و متمرکز در شرکت‌ها و کشورهای خاص خارج شده و وارد دوره «تکنولوژی باز» شده است. به همین ترتیب، اقتصاد و حوزه‌های دیگر نیز از تمرکز کلاسیک فاصله گرفته و شکل غیرمتمرکز و منتشر شده در سطح جهان خواهند داشت. این بار از تقسیم‌بندی کلاسیکِ هژمون اصلی، اقمار و رقبای دوگانه خبری نخواهد بود. قدرت کشورها را نه فقط قرابت اقتصادی، سیاسی و نظامی با هژمون اصلی بلکه سهم آنها از علوم‌وفنون غیرمتمرکز، تعیین می‌کند.

رابطه جامعه و دولت در درون کشورها نیز دچار تحول اساسی خواهد شد. یک نمونه محدود آن تنش‌های بدون هدایت متمرکز اکتبر ۲۰۱۹ در برخی کشورهای جهان مانند جریانات اعتراضی پس از افزایش قیمت بنزین در ایران، افزایش قیمت بلیت سیستم حمل‌ونقل در شیلی، قیمت تماس از طریق واتساپ در لبنان، قانون ارجاع مجرمین به سرزمین اصلی (چین) در هنگ‌کنگ است. این حوادث در واقع مصادیق ابتداییِ شکل‌گیری نحوه جدیدی از تعامل جامعه با دولت بود که در آن ارتقای جایگاه مردم در گفت‌وگو با دولت‌ها شکل می‌گیرد. دیگر نمی‌توان به سبک قبل و از موضع قدرتِ متمرکز با جامعه رفتار کرد.

مردم، دیگر به سبک پس از انقلاب صنعتی اول و دوم «نیروی کار» و «منابع انسانی» و به زبان سیاسی، «رعیت» و یا «شهروند» صرف نخواهند بود. بلکه در پی انقلاب صنعتی چهارم، «شریک» شرکت‌ها و حکومت‌ها هستند. این‌ها دیگر مانند دوره انقلاب صنعتی سوم، «مغزافزار» نیستند، «خودِ مغزند» و خود اقتصادند برای شرکت‌ها و کشورها.

بدین ترتیب، تصمیم استراتژیک کشورها در این دوره گذار آن است که خود را در کجای علم‌وفن و اقتصاد دنیا بنشانند. پنج نوع مواجهه از سوی کشورها قابل پیش‌بینی است: ۱- پاک کردن مسئله، ۲- مقابله کردن، ۳- به تأخیر انداختن، ۴- قرار گرفتن بر سر راه جریان و ۵- سوار شدن بر جریان و تبدیل شدن به پیشران. رفتار کشورهایی مانند ایران را می‌توان تلفیقی از نوع اول تا سوم با تأکید بر نوع سوم دانست. کشورهای این گروه نهایتاً به برخی صور دانش‌وفن جدید تن می‌دهند، اما از طریق واسطه‌گری کشورهای دیگر.

راهکار بنیادی آن است که به «خودِمغز»ها رجوع کنیم، در سر راه یا سوار بر جریان جدید دانش و فن و شریک در ساختار جدید هژمونیک در سطح بین‌المللی شویم. باقی جَرّها و جریانات شوخی است.